

جریده بیان حقیقت

شرح والی گری دکتر
محمد مصدق در فارس

بیان حقیقت نام جریده‌ای است که به توسط میرزا حسن خان دیانت شیرازی ملقب به معین دیوان در شیراز استخراج شده، نخستین شماره آن در تاریخ ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۳ هجری قمری مطابق سال ۱۳۰۳ هجری شمسی به صورتی سنگی طبع گردید. از آنجا که در ایالت فارس تحولات عمده سیاسی در این دوره ناشی از تحکرات پلیس جنوب، کودتای سید ضیاء و هم‌مرزی با استان‌های جنوب که فوایدی تجاری برای بریتانیا داشت، قابل توجه بود این گونه مطبوعات محلی که زبان عامه و افکار عمومی تلقی می‌شود حائز اهمیت است. متأسفانه اطلاعات دقیقی از مجموعه شماره‌های اولیه این جریده که به صورت سنگی چاپ شده از فهرست‌های موجود کتابخانه‌ها عیان نمی‌شود.^۱ مشخص است که به جهت محدودیت نسخ از دستبرد روزگار مصون نبوده لیکن دو صفحه نخست شماره ۵ روزنامه که در مورخه سوم جمادی‌الاولی ۱۳۴۳ هجری قمری مطابق ۸ قوس ۱۳۰۳ هجری شمسی به جهت پُرتره و تصویر دکتر محمد مصدق در مجموعه‌ای شخصی نگاهداری می‌شد و فعلاً در اختیار راقم است، مورد توصیف و تفسیر قرار می‌گیرد.

بررسی توصیف ظاهری جریده بیان حقیقت

بیان حقیقت در مورخه ربیع‌الاول ۱۳۴۳ هجری قمری / ۱۳۰۳ هجری شمسی به مدیریت

۱. در حاشیه صفحه اول جریده موجود به معین دیوان و در منابع مورد استناد محمد صدر هاشمی و محمد حسین رکن‌زاده، ملقب به معاون دیوان است.

میرزا حسن خان دیانت به صورت هفتگی و سنگی چاپ شد. محمد صدر هاشمی در توصیف
ظاهری آن می‌نویسد:

«بیان حقیقت ابتدا هفتگی بوده و با چاپ سنگی در چهار صفحه به قطع بزرگ در مطبع محمدی
شیراز چاپ و منتشر شده است. پس از مدتی چاپ سنگی به سربی مبدل شد، و هفته‌ای سه بار نشر
یافته است.»^۲

در شماره‌هایی که صدر هاشمی، فهرست مندرجات روزنامه را از تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۰۶
هجری شمسی نقل کرده، مرکز اداره جریده را خیابان دهنادی می‌آورد، در حالی که نسخه سنگی ۸
قوس ۱۳۰۳ هجری شمسی موجود مرکز اداره در منزل مدیر، محله بالاکند تلقی شده است.^۳ چنین
می‌نماید که انتقال از یک محل قدیمی و منزل مدیر به مکانی در مرکز شهر، بالا رفتن تعداد نوبت
چاپی از یکبار به سه بار در هفته و تغییر چاپ سنگی به چاپ سربی استحکام موقعیت روزنامه را به
همراه داشته است، تا جایی که روزنامه تا سال ۱۳۱۷ هجری شمسی دوام آورد.^۴

ایجاد انتظام و رشد نهادهای حکومتی برای جریده بیان حقیقت این امکان را بوجود آورد که
قیمت اشتراک سالیانه ۴۰ قران و شش ماهه ۲۵ قران را تعیین نماید، همچنین عنوان تلگرافی درج
نماید و قیمت اعلانات را در نخستین سال انتشار سطری ۳۰ شاهی برای صفحه اول و سطری یک
قران برای سایر صفحات تعیین کند.

شرح احوال میرزا حسن دیانت شیرازی

محمد حسین رکن‌زاده صاحب دانشمندان و سخنسرایان فارس می‌نویسد:

«مرحوم میرزا دیانت ملقب به [معین] دیوان مدیر روزنامه بیان حقیقت، روزنامه ... را تا ۱۳۵۷ [هجری قمری / ۱۳۱۷
هجری شمسی] در دوپست و چهل شماره نشر داد. مرحوم دیانت مردی وطن‌دوست و فاضل و بی‌آزار بود. سال
حقیقی فوتش را به دست نیاوردم، ظاهراً در حدود سال ۱۳۲۰ شمسی (۱۳۶۰ قمری) وفات یافته است.»^۵

آنچه که از مواد مکتوب موجود می‌توان دریافت، آنکه دیانت شیرازی از طرفداران مشروطه
و قانونخواهی در تاریخ نوین فارس محسوب می‌شود و آثار قلمی وی در روزنامه بیان حقیقت این
ویژگی را نشان می‌دهد. محمد صدر هاشمی نام چند مقاله مندرج در روزنامه را در راستای این
سخن ذکر می‌کند: «گناه جنوبی چیست؟ - مقدرات ملت جنوب به دست کیست؟» سر مقاله شماره
۲۴ سال سوم مورخ ۲۶ آبان ۱۳۰۶ هجری شمسی. و «استحکام قوه قضاییه کشوری» سر مقاله
شماره ۴۴ سال دوازدهم مورخ ۱۲ دی ۱۳۱۵ هجری شمسی.^۶ همین سر مقاله مورد بحث بیان
حقیقت نیز به نحو مشهودی مبین گرایش‌های ملی‌گرایی و اصلاحات در ایران امروز است.

ویژگی دیگر دیانت صحت و سلامتی فکر و قلم وی می‌باشد، که در بحران‌های آن دوره از
کشور تا حدودی قابل توجه است. توجه دقیق وی به مردی که سی سال بعد به عنوان سیاستمدار
یگانه در عرصه جامعه ایران درخشید، مبین همین نوع فکر بوده است. در مقدمه سر مقاله بیان
حقیقت شماره ۵ سال اول مورخ ۸ قوس ۱۳۰۳ هجری شمسی در رثای دکتر محمد مصدق و

اخلاق سیاسی وی می نویسد:

«مدتها بود میل و رغبت، آمال و آرزو داشتیم موقعیتی بدست آورده و قلم در کف ما بیفتد آنچه را به حکم احساسات و مشاهدات در مدت شش ماهه ایالت و فرمانفرمایی این عنصر ملکوتی در فارس داریم بمورد اظهار و استحضار هموطنان معظم برسانیم تا عادلانه در اطراف آن قضاوت نموده، محبت وطن، هواخواه نوع و طرفدار آسایش عمومی را کاملاً بشناسند و بدانند آب و خاک مقدس ایران چه عناصر فعال پاکدامن، چه جنس های بلندمرتبه عالی همت، چه دماغ های مصلح و منور، چه کله های ترقی طلب انسان دوست در خود پرورش داده و تربیت می کند: درجه استعداد و لیاقت هوای ایران از ظهور همین مغزهای حساس و نمایش همین گونه اعمال ممدوحه معلوم و مسلم می شود. آنهایی که ایرانی را بی لیاقت، بدفطرت، دنی طبیعت و سخیف العقیده می گویند و می نویسند نظرشان کوتاه، فکرشان پست، خیالشان کج و موج است، زیرا اشخاص خوب را ندیده و محسوس نشده، فهم و ذکاوتشان قاصر بوده است.»^۷

اهمیت شماره پنجم جریده بیان حقیقت

شماره پنجم این جریده در مورخ سوم جمادی الاولی ۱۳۴۳ هجری قمری مطابق ۸ قوس ۱۳۰۳ هجری شمسی به شیوه ای سنگی به چاپ آمده و تا آنجا که راقم جستجو کرده در کتابخانه ملی ایران و کتابخانه های دانشگاهی کشور نسخه ای از آن در دست نیست، مگر در مجموعه های شخصی بتوان سراغی از آن جست. نسخه موجود راقم شامل صفحات اول و دوم است و صفحات سوم و چهارم را در بر ندارد. اهمیت این شماره از چند جنبه است:

نخست تصویر دکتر محمد مصدق است که از روی عکس معروف وی در سمت والی گری فارس به توسط حسین مسعودزاده شیرازی رسم شده، هرچند در نقاشی و تصویربرداری سخن و بداعتی ندارد، لیکن احتمال می رود نخستین تصویری است که از دکتر محمد مصدق در جراید ایرانی قلمی شده باشد.

ثانیاً مقاله طویلی است که از میرزا حسین خان دیانت شیرازی در رسا و راست کرداری و شرح اقدامات دکتر محمد مصدق درج کرده و به واقع یک شماره کامل مجله را دربردارد. این سیاهه حاوی دو بخش است. نخست اخلاق و رفتار سیاسی ملی خواهی و ملی گرایانه مصدق که تا نیمی از ستون اول صفحه دوم را در بردارد، و دیگر شرح اخبار سیاسی وی در حکومت شش ماهه فارس است. مقاله سه سال بعد از خروج دکتر مصدق از فارس تحریر شده و نمی تواند از سرچاپلوسی و ریا قلمی شده باشد، بلکه شهادتی است بر اقدامات صالح و مردمی وی بین عامه آن سکنه، بر چنین مبنایی است که مصنف در ذیل تصویر ویژگی های بارز والی را برمی شمارد:

«عادل ترین رجال پاکدامن قانون نواز. برجسته ترین دیپلمه علم حقوق. داناترین عنصر وطن پرست صحیح العمل. عالمترین متخصص بقوانین و قواعد پارلمانی، رب النوع اخلاق حسنه و خضایل ممدوحه، فرشته حریت خواهی و آزادی طلبی، یکتا مجسمه نوع پروری و انصاف پسندی آقای مصدق السلطنه محبوب ایران دوست دامت شوکته.»^۸

بخش دوم مقاله شرح زندگی سیاسی مصدق است که از فرمانفرمایی فارس تا وزارت مالیه و

خارجه را دربر دارد. این سیاهه یکی از نخستین شروح احوال جدی است که برای جراید تهیه شده و در حقیقت از متن عامه مؤلفین سیاسی برخاسته است.

والی گری دکتر محمد مصدق در فارس

انتصاب دکتر محمد مصدق در فارس از اواسط مهر ماه ۱۲۹۹ صورت گرفت و تا سوم فروردین ۱۳۰۰ هجری شمسی به طول انجامید. در طول این مدت چند اقدام حیاتی در این منطقه انجام داد، نخست وضع امنیتی راه‌ها را بهبود بخشید و با سیاست مناسب اقتصادی از گرانی اجناس ممانعت جست، دوم تکلیف ایلخانی ایل قشقای را با انتصاب صولت الدوله بدون دریافت وجهی روشن کرد و در نهایت به روند حضور پلیس جنوب و اهل بریتانی در فارس سامان مناسب‌تری بخشید. در ذکر این مباحث و اقدامات دو جزء خاطرات به یادگار مانده؛ ابتدا خاطرات، یادداشتها و گفته‌هایی است که اکثراً ضمن نطق‌های پارلمانی او ابراز شده و بعد توسط سالنامه دنیا این قطعات تلفیق شده و در سال ۱۳۳۱ (جلد هشتم) به طبع رسیده و مجدداً در انتهای کتاب مصدق و مسائل حقوق و سیاست به اهتمام ایرج افشار چاپ شده است.^۹ در این پاره بخشی به نام «حاشیه حکومت فارس» دارد و چون در اوج مبارزه با بریتانیا، به نشر آمده تا حدودی خشونت‌گفتاری را به جملات منتقل کرده است. در همین حاشیه است که در پاسخ به معاندین خویش و طرفداران حضور انگلیس در ایران، از سر استهزاء و تمسخر می‌گوید:

«البته کنسول انگلیس می‌خواست که تجارتشان برقرار باشد. هر وقت پولی می‌خواستند از آباده به بو شهر ببرند مجبور بودند که یک مبالغه خرج کنند و یک مبالغه بدهند... ولی وقتی که من رفتم آنجا از کسی دیناری نگرفتم و عدل و انصاف را پایه حکومت خود قرار دادم. البته امنیت برقرار شد... من اگر حالا هم به فارس بروم همه مرا می‌خواهند برای اینکه به آنها من خدمت کرده‌ام. کیست که در فارس مرا نخواهد؟ آنها مرا می‌خواهند و من هم آنها را دوست دارم. برای اینکه به آنها خدمت کرده‌ام»^{۱۰}

دو دیگر فصل بیستم کتاب خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق تحت عنوان «انتصابم به ایالت فارس» می‌باشد که با اسناد و مدارک شخصی این بخش را در تبیین به قلم آورده است.^{۱۱} این پاره، از نظر شرح و توصیف مفصل‌تر بوده و چونان همیشه ادب سیاسی را برای مخالفین محفوظ داشته است، مثلاً در باب سلف خویش در فارس می‌آورد: «فرمانفرما هم استعفاء داده بوده»^{۱۲} و یاد در متن احترام مأمورین کنسولی بریتانیا را محفوظ داشته است.^{۱۳} سواى این موارد باید به تقریرات جلیل بزرگمهر از والی‌گری فارس وی در تقریرات مصدق در زندان اشاره جست،^{۱۴} بدیهی است اهمیت دو منبع پیشین از جهاتی بر این منبع مرجح است که فعلاً مجال بحث ندارد. در یک جمع‌بندی دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان سعی بسته از سه منبع پیشین بهره‌جسته تصویری کلی از حضور دکتر مصدق ارائه دهد:

«در دوران نخست‌وزیری مصدق و پس از آن اتهاماتی بی‌پایه مطرح شد که انتصاب مصدق به والی‌گری فارس کار

بر چنین مبنایی است که اهمیت اندیشه و دیدگاه مطبوعات فارس در این دوره در پاسخ به این «اتهامات بی پایه»، جایگاه والا و شایسته‌ای می‌یابد.

نتیجه‌گیری

بر این مبنا اهمیت مقاله میرزا حسن دیانت شیرازی در جریده بیان حقیقت از آن جهت است که شخصی فاضل و ملی‌گرا بدون قرابت با دکتر محمد مصدق سه سال پس از خروج وی به ذکر خدمات والی در فارس از سر حُسن نیکویی با اخلاق بی‌طرفی پرداخته، هرچند در طول این سالها و سنوات دسته جات و گروههای متنوع سیاسی شکل یافت، دیانت شیرازی به جمع‌بندی نتایج کار والی توجه نشان می‌دهد. تنها چند صباح ایام بعدی است که دکتر مصدق در انزوای سیاسی فرو رفته و با استیلای حکومت استبدادی، سخنی از وی در مجامع سیاسی و اجتماعی نیست.

متأسفانه سالهای زندگی میرزا حسن دیانت صاحب بیان حقیقت اجازه نداد تا به مشاهده گفتار خود در باب والی فارس در صفحه نخست در طول سالهای ملی شدن نفت توفیق یابد. اما مقاله این ظرافت‌ها را در خود نهفته دارد:

۱. فکر اتکاء به خود و استقلال میهن از همان ابتدای خدمات دولتی مصدق در اندیشه وی موجود بوده است.

۲. توجه به وضع معیشت و اقتصاد عامه همواره بعد ویزهای را در عملکرد وی بروز می‌داده است.

بر این قرار به طبع بخش اصلی مقاله تحت عنوان «ذکر اخبار و رفتار سیاسی دکتر محمد مصدق در مکتب فارس، مبادرت می‌شود.^{۱۶} علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

«ذکر اخبار و رفتار سیاسی دکتر محمد مصدق در حکومت فارس»

به نقل از

جریده بیان حقیقت به قلم میرزا حسن دیانت شیرازی

مصدق السلطنه در چهار سال قبل موقعی که در هندوستان از اروپا مراجعت کرد و به واسطه انتخاب ایشان به وزارت عدلیه که در کابینه آقای مشیرالدوله بحکم تجانس این دو عنصر پاک واقع شده و اصرار فوق العاده تلگرافی مراجعت ایشان را به ایران و قبول مقام وزارت ایجاب نموده بود از طریق بوشهر به شیراز ورود فرموده خود با دو نفر آقا زاده محترم که تکمیل تحصیلات نموده به وطن خود عودت کرده بودند با یک نفر شوهر کافی عبدا... خان نام در منزل آقای مؤیدالملک که سوابق دوستی داشتند توقف فرمودند. از آنجا که به حسن اتفاق ورود معظم له مصادف شد با عزل و انفصال فرمانفرما از ایالت فارس، موقعی ایشان وارد شدند که خوشبختانه فرمانفرما از هرگونه پشتیبانی مایوس شده، قریب هزار شتر و استر و گاری و آلات نقاله برای حمل و نقل غارتی های از فارس فراهم نموده عازم حرکت به طهران است. پس از رفتن فرمانفرما بزرگان قوم و لیدرهای احزاب و رؤسای طبقات و وجوه ملت که فشار حکومت سه ساله فرمانفرما واقعاً پشت همه را خم نموده بود ورود آقای مصدق السلطنه را یک نعمت غیر مترقبه و یک رحمت ایزدی دانسته به خواهشات و مستدعیات از حرکت معظم الیه مانع و تلگرافاً از رئیس دولت وقت که آقای مشیرالدوله و طرف حسن ظن عموم بودند درخواست تفویض مقام ایالت فارس به معظم الیه نمودند. از آنجا که فرج از عقب شدت، سیر از دنبال عسر، گشایش در پی تنگی و تضییق، نعمت در آخر نعمت و راحت در خاتمه رحمت خواهند بود، مقتضیات تلگرافی در پیشگاه رئیس دولت موقع قبول یافت، آقای مصدق السلطنه به ایالت و فرمانفرمایی منصوب و به ارگ ایالتی نقل فرموده، از اولیه قدم شروع به اصلاحات و ترمیم خرابی ها و جبران ما مضی نمودند، قوانین موضوعه مملکتی را روی میز در جلو نظر گذارده نص حکومت قانون را به اهالی اعلان و عملاً ثابت فرمودند این است معنی حکومت مشروطه و این است رویه حکومت قانون و این است لذت حریت و مساوات. در مدت شش ماه همانطور حکومتی که سلمان در مدائن نموده بود مصدق السلطنه در شیراز کرد به مردم فهمانید که حکومت مشروطه حق رشوه و تعارف، حق مداخلات مأمور حقوقی، حق طمع و تعدی به مال ملت، حق تضییع حقوق دولت نخواهد داشت. به ادارات دولتی حالی کرد که وظیفه حکومت نظارت کامل بر اعمال جزء و کل ادارات و نیک بدامورات آنها است. اوقات خود را در ایام هفته قسمت نموده یک روز به رسیدگی و تفتیشات در محاکم عدلیه و توجّهات به شکایات مردم، یک روز به اداره مایه و تحقیقات کامل از کلیه شعبات مستقیم و غیر مستقیم و نظریات وافی به دفاتر و اوراق و ثبت و ضبط آنها، یک روز به اداره نظمیه و دستورات کافی به تکمیل نواقص تشکیلاتی و تأکیدات در مراقبت انتظامات شهر و تهیه وسایل آسایش عمومی روز

مکاتیب - شیراز - کنگره

مکاتیب - شیراز - کنگره

مکاتیب - شیراز - کنگره

مکاتیب - شیراز - کنگره

مکاتیب - شیراز - کنگره

مکاتیب - شیراز - کنگره

بیان حقیقت

بوالعین

قیمت اشتراک

شیراز

مکاتیب - شیراز - کنگره

مکاتیب - شیراز - کنگره

مکاتیب - شیراز - کنگره

مکاتیب - شیراز - کنگره

مصدق السلطنه وزارت خارجه و کالبرایان
 العدل اسرار الملک
 عدل انجمن خبریه
 بالعدل قامت السموات والارض
 کورست ابراهیم کورس

سر لوحه نشریه بیان حقیقت

دیگر به بلدیة و بذل توجه کامل در تنظیف و تنویر و تعادل تسعیر و ترخیص ارزاق و مخصوصاً مجاهدات وافیه که برای فراوانی و ارزانی ذغال نمود به طوریکه قیمت ذغال، ذغالی که در دوره حکومت فرمانفرما به یک من چهار قران رسیده بود به خرواری پنج الی چهار تومان تنزل داد، قیمت ارزاق لاسیما گوشت که در ایالت سابق سر به جهنم گذارده بودند متدرجاً پایین آمد. در مدت شش ماه با فقدان وسایل انتظامیه که آن وقت نه قشونی وجود خارجی داشت نه موجباتی برای تهیه نظم فراهم بود به طوری در اثر سعی و عمل و نتیجه خیرت و بصیرت نایب الایاله کافی مثل آقای نصیرالملک موفقیت حاصل گشت که راهها امن و طرق و شوارع محفوظ، مبالغی مالهای مسروقه سابقه استرداد و نظم کامل حکمفرما شد. مصدق السلطنه به اداره مالیه تعلیم داد که رؤسای دوائر از ایالت گرفته تا سایر در مقابل حقوق که از دولت می گیرند می باید کلیه عایدات اداره خود را به خزانه مملکت یعنی به صندوق مالیه وارد کنند؛ از یک قران تا هر مبلغ عایدات هر اداره و هر شعبه بشود متعلق به صندوق مالیه است. مصدق السلطنه درجه پاکدامنی و بی طمعی را به جایی رسانید که حتی از قبول یک ظرف رطب هم امتناع شدید داشت. دو فقره چند دانه لیمو از دو نقطه برای معظم له هدیه فرستادند، فرمودند: به هر یک از حاملین سه تومان انعام دادند. یک نفر از آنها به شکرانه انعامی که گرفته دو قران به قراول در ب اطاق تعارف داده و قراول قبول کرده بود، به مجرد استماع قراول را اخراج فرمودند. مصدق السلطنه در مدت ایالت خود کارهای بزرگ و اصلاحات قابل توجهی را موفق گردید. رؤسا و سرکردگان خطه جنوب که در عصر ریاست فرمانفرما به دام و حبس افتاده این

قدر از آنها اخاذی شده بود که به تنگ آمده بودند، مصدق السلطنه بدون نیازی توقع به مذاکره و ملاقات با کلنل مید فونسول انگلیس همه را مرخص و بر سر شغل و کار سابقشان روانه داشت. کار آقای سردار عشایر رئیسعلی جلیل قشقای و عمل غضنفر السلطنه برازجانی که در سیاست و پلتیک همسایه جنوبی تقصیرات غفران ناپذیر به آنها نسبت می دادند، به تدابیر حسنه اصلاح و ریاست سابقشان را اعاده داد، به طوریکه شخصاً اطلاع دارم چند نفر محرمانه حاضر شدند چندین هزار تومان حق الزحمه بدهند و چک بانک را حاضر کردند، معظم له متغیر شده دیناری قبول فرموده و با حالت عصبانی در مقابل اصرار آنها فرمود: می خواهید لکه پاک نشدی به من بگذارید، اما اخلاقیات معظم له بقدری در جامعه مؤثر افتاده بود که قطعاً اگر یک سال حکومتشان دوام کرده بود در عادات مردمی که حکم طبیعت ثانوی پیدا کرده بود تغییر ماهیت می داد. کما اینکه در همین مدت چند ماهه هم تأثیرات عمده نمود و اغلبی را تا چندی که توقف داشت متخلق به اخلاق خود ساخته بود و حکام جزء و مأمورین نقاط جرأت نمی کردند اسم رشوه را به زبان جاری کنند. این بود اجمالی از تفضیل حکومت شش ماهه مصدق السلطنه در فارس، تا موقع ظهور کودتا که در میانه گریه و اندوه مردم و هیجان احساسات محبت آمیز اهالی حرکت فرمودند و با صدماتی که در عرض راه متحمل شدند به طهران رفتند، ورودشان مصادف شد با تغییر کابینه سید ضیاء الدین و تشکیل کابینه قوام السلطنه. در این کابینه نظر به سوابق اطلاعاتی و تخصصی که در امور مالیه داشتند به وزارت مالیه منتخب شدند.

● یادداشتها و منابع

برای این زمینه نگاه کنید به:

۱. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. فهرست روزنامه های موجود در کتابخانه. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۴۳.
۲. سلطانی، مرتضی. فهرست روزنامه های فارسی موجود در مجموعه کتابخانه های مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۵۲. جلد اول: ص ۳۲.
۳. صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران. اصفهان: کمال، ۱۳۶۳. جلد دوم: ص ۳۸.
۴. بیان حقیقت. شماره ۸۰۵ توس ۱۳۰۳ هجری / ربیع الاول ۱۳۴۳ هجری قمری. ص ۱.
۵. رکن زاده آدمیت، محمدحسین. دانشمندان و سخنسرایان فارس. تهران: کتابخانه اسلامی (و) خیام، ۱۳۳۸. جلد دوم: ص ۵۵۱.
۶. همان. جلد دوم: ص ۵۵۱.
۷. تاریخ جراید و مجلات ایران. جلد دوم: ص ۳۸.
۸. بیان حقیقت. شماره ۵، ص ۱.

۹. همان، ص ۱.
۱۰. مصدق، محمد. مصدق و مسائل حقوق و سیاست. گردآوری ایرج افشار. تهران: زمینه، ۱۳۵۸، ص ۱۱۶ - ۱۱۸.
۱۱. همان، ص ۱۱۸.
۱۲. مصدق، محمد. خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق. به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۱ - ۱۳۸.
۱۳. همان، ص ۱۲۱.
۱۴. همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۷.
۱۵. مصدق، محمد. تقریرات مصدق در زندان. یادداشت شده توسط جلیل بزرگمهر. تهران: سازمان کتاب، ۱۳۵۹، ص ۵۶ - ۶۵.
۱۶. کاتوزیان، محمدعلی. مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران. ترجمه فرزانه ظاهری. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۲۲.
۱۷. بیان حقیقت، شماره ۵، ص ۲. متأسفانه نسخه راقم ناقص بوده و از خواندن بقیه مقاله در ذکر خدمات مصدق در وزارت مالیه و خارجه تا دستیابی به اوراق سوم و چهارم محروم هستیم.